

بررسی عوامل تعیین کننده ی رفتار محیطی بر خلاقیت کودکان (مطالعه موردی مهد کودک‌های منطقه ۱۱) فریده عزیزیان^۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۱۹

چکیده

از آن جایی که شخصیت افراد در سنین کودکی شکل می گیرد لذا پژوهشگران به پرورش خلاقیت در سنین کودکی توجه ویژه ای دارند. توجه به عوامل موثر محیطی در رشد و پرورش خلاقیت کودکان باعث بروز استعدادها و رشد و شکوفایی آن ها می شود. در پرورش خلاقیت کودکان، معماری فضای کالبدی و محیطی به عنوان عاملی موثر و پویا در کیفیت فعالیت های آموزشی و تربینی کودکان ایفای نقش می کند. در این تحقیق با این مسأله مواجه هستیم که چگونه می توانیم با طراحی معماری، زمینه ی رشد و پرورش خلاقیت کودکان و نوجوانان را ایجاد کنیم. در ابتدای تحقیق با مطالعات نظری که صورت گرفت به پارامترهای اصلی خلاقیت رسیدیم، این پارامترها عبارت بودند از: ۱- بازی، ۲- رنگ، ۳- طبیعت، ۴- انعطاف پذیری. براساس این پارامترها، پرسشنامه ای تدوین شد. سپس به نظرخواهی والدین و مربیان مهدکودک‌های منطقه ۱۱ تهران پرداختیم و نتایج تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS در قالب نمودارها و جداولی به دست آمد. با توجه به نتایج، بیشترین تأثیر را در پرورش خلاقیت کودکان، استفاده از رنگ در طراحی می گذارد.

کلمات کلیدی: خلاقیت، کودکی، رفتار محیطی، فضای کالبدی

^۱ کارشناس آموزش ابتدایی، آموزگار آموزش پرورش، تهران، ایران نویسنده مسئول (techazizyan@gmail.com)

مقدمه:

عصر حاضر دوره گسترش تکنولوژی است؛ دوره ای که پیشرفت جوامع و کشورها به خلاقیت و نوآوری وابسته است. ارتقای خلاقیت و نوآوری، که بر پایه تولید دانش استوار است نه تنها باعث پیشرفت تکنولوژی می شود؛ بلکه کیفیت زندگی ملت ها را نیز بهبود می دهد. در نتیجه، امروزه تلاش برای حمایت و تسریع فرآیندهای خلاقیت و نوآوری یکی از بخش های ضروری سیاست کشورها، شهرها، مناطق و سازمان های تجاری است (بیسادی، مظفر، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۹). خلاقیت از جمله مفاهیمی است که به واسطه انتزاعی بودن در خصوص ماهیت و تعریف آن بین محققان و روان شناسان اختلاف نظر است. بررسی منابع حاکی از آن است که مفهوم این واژه در طول زمان دگرگون شده است. این طور به نظر می رسد هنگامی که بسترهای سیاسی، اجتماعی و آموزشی حاکم دچار تغییر می شوند معیارهای ارزش گذاری و قضاوت نیز متحول می شوند. تورنس (۱۹۶۲) که از پیشگامان محیط گرایی شناخته می شود، تفکر خلاق را فرایند احساس خلأها و اختلال ها، عناصر غایب، شکل دهی ایده ها و فرضیه ها، برآورد نتیجه ها، تعبیر و آزمودن دوباره ی این فرضیه ها می داند (طباطبائیان، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰).

بیان مساله

آغاز پرورش بسیاری از توانایی های انسان در دوره کودکی است. آغاز پرورش تخیل و خلاقیت نیز در دوره کودکی شکل می گیرد. از نظر فروید، منبع خلاقیت را باید در تجربیات دوران کودکی فرد یافت (شریعتمداری، ۱۳۴۴). کودکان حساس ترین و تأثیرپذیرترین گروه سنی جامعه را تشکیل می دهند و در حساس ترین و مهم ترین سال های زندگیشان یعنی زمانی که پایه های رشد شخصیتی-ذهنی-جسمی و اجتماعی آن ها شکل می گیرد تا زمانی که وارد شهر می شوند نیازمند این هستند تا زندگی اجتماعی خود را در مقیاس خود تجربه کنند؛ و این امر مستلزم فراهم بودن فضایی کودکانه و صمیمانه است فضایی به دور از هیاهوی دنیایی بزرگتر، دنیایی پر از شادی با رنگ های زیبا که در آن کودک فرصت بیان افکار تازه و پرورش و رشد استعدادهایشان را داشته باشد، فضایی که زمینه ای مناسب برای خلاقیت کودکان فراهم آورد (ترکمان، جلالیان، دژدار، ۱۳۹۵، ص ۱). کودکان اعضای کوچک و لطیف جامعه هستند و با بیان تمایلات و نیازهای خود، قابلیت تأثیرگذاری بر شکل گیری محیط دارند، همچنین نیازمند فضایی مناسب برای رشد و پرورش

استعدادهای خود هستند. این امر مهم به معمارانی آشنا به علوم رفتاری کودک نیازمند است. واقعیت مهمی که در خصوص فضای زندگی کودکان و جامعه امروز ایران با آن رو به رو هستیم، نیازمند توجه بیشتر است. این توجه باید معطوف به زندگی کودکان و جهان کوچک آن‌ها، به خصوص رابطه نزدیکی با طبیعت و فضای معماری باشد. معمار یک مربی است و بعد از پدر و مادر، اولین مربی کودک به شمار می‌رود. تعلیم و تربیت او از طریق اشکال ساخته شده، که محیط اطراف کودک را تشکیل می‌دهند، منتقل می‌شود. به همین دلیل ارتباط میان کودک و فضا و خواسته‌های او را درک کند و نیازها و مشکلات او را شناخته و روش‌های برطرف کردن آن‌ها را بیابد و از سوی دیگر باید به محیطی که کودک امروز در آن به سر می‌برد، آشنا باشد و آن را به خوبی درک کند. تا در نهایت با ایجاد یک معماری پایدار، توانایی زمینه آموزش و فهم اصول پایداری معماری به کودکان را ایجاد کند (حسین پوریان، ۱۳۹۰، ص ۴۱). این پژوهش در پی جواب دادن به این سوال می‌باشد که رفتارهای محیطی چه تاثیری بر خلاقیت کودکان در محیط آموزشی کودکان دارد؟

خلاقیت

خلاقیت هنوز هم یکی از اسرارآمیزترین موضوعات در رفتار اندیشمندانه انسان است. پژوهشگران بسیاری از حوزه‌ها بر روی مطالعه خلاقیت کار کرده‌اند. عده‌ای خلاقیت را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند و آن را برخاسته از نیازها و مقتضیات جامعه و شرایط خانوادگی قلمداد می‌کنند، برخی آن را پدیده‌ای شخصی می‌دانند که عواملی نظیر انگیزش، هیجان و عواطف و یادگیری‌های فردی در آن موثر است. گروهی دیگر خلاقیت را مفهومی شناختی می‌انگارند که با فرآیندهای عالی ذهن نظیر تفکر، هوش، تخیل و پردازش اطلاعات تعامل دارد و بالاخره عده‌ای نیز آن را مفهومی چند بعدی می‌دانند که مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی و شناختی بر آن موثر است. بدین معنا که خلاقیت را متأثر از تأثیرات محیطی می‌دانند (قره بیگلو، ۱۳۹۱، ص ۸۷). خلاقیت فرایندی ذهنی است که در افراد دارای بهره‌ی هوشی بالاتر از متوسط رخ می‌دهد، فرد خلاق ویژگی‌هایی مانند حس کنجکاوی، قدرت تخیل بالا، استقلال رای، اندیشه‌های انتقادی، توانایی در برقرار کردن ارتباط و انتقال ایده‌ها و مانند این‌ها را دارد. خلاقیت بر مبنای نظریه‌های متعددی استوار است. یکی از آن‌ها نظریه خلاقیت مبتنی بر الگوی سرمایه‌گذاری است که استرنبرگ و لوبارت در سال ۱۹۹۵ ارائه کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که افراد خلاق مانند سرمایه‌گذاران خوب عمل می‌کنند. سرمایه‌گذاران عموماً در تلاش‌اند که ارزان بخرند و گران بفروشند؛ یعنی از کار خود بهره و سود مناسبی داشته باشند. افراد خلاق نیز در این تلاش‌اند که از افکار و ایده‌هایی که کمتر مورد نظر و توجه دیگران است بهره بگیرند و با ابتکاری کردن آن‌ها پدیده‌هایی نو را به وجود بیاورند. آلبرت رنت گیورکی می‌گوید: خلاقیت عبارت است از نگاهی متفاوت به پدیده‌هایی که سایر مردم نیز آن‌ها را می‌نگرند (مهدوی نژاد، مهدوی نژاد، سیلوايه، ۱۳۹۲، ص ۱۳۰).

۱-۲- خلاقیت کودک

هر چیزی که کودک انجام می دهد و یا می گوید ، میتواند خلاق به حساب آید در صورتی که دو ضابطه را تأمین نماید . اول آنکه باید اساساً با کارهایی که کودک قبلاً انجام داده و تمام چیزهایی که قبلاً دیده و یا شنیده است متفاوت باشد . دوم آنکه فقط نباید متفاوت باشد بلکه باید صحیح بوده ، در جهت رسیدن به یک هدف مفید باشد و به طریقی برای کودک جذاب و معنی دار باشد . اغلب روانشناسان که در زمینه ی خلاقیت مطالعه می کنند این دو ضابطه را تازگی و مناسبت عنوان می کنند . معیار تازگی کاملاً ساده است . رفتار کودک نمی تواند فقط تقلید یا گزارشی چیزی که قبلاً دیده است باشد یعنی در محدوده ی رفتاری کودک باید تا حد زیادی تازه باشد . به منظور قضاوت درباره ی تازگی کار کودک باید اطلاعاتی در مورد آگاهی و تجربه ی گذشته کودک داشته باشیم معیار مناسبت پردر دستر است . این واژه به منظور رد کردن رفتارهایی که صرفاً عجیب هستند مورد استفاده قرار می گیرد . ابداع به تنهایی ، کنش و یا ایده ای را خلاق نمی کند . مناسبت نیز عامل دیگری است. از آنجا که کنش خلاق ، پاسخی به موقعیت ویژه هست ، بنابراین باید مشکلی را حل کند و یا موقعیتی را که باعث پیدایش آن شده است، روشن سازد (اولنج ، دژدار ، یعقوبی ، ۱۳۹۴ ، ص ۷)

۳- رابطه کودک و محیط

باوری غلط و گاهی رایج، هست که انسان برای آن که این چنین زنده باشد فقط به کاری درونی نیاز دارد ، و انسان فقط مسئول مشکلات نفسانی خود است ، و برای علاج خود کافی است خود را تغییر دهد . واقعیت این است که شخص آن چنان تحت تأثیر محیط خود است که حالت هماهنگی درونی اش بستگی تام به همان او با محیط خود دارد. موقعیت انسان نسبت به محیط را به دو گونه کلی می توان تقسیم کرد. نخست موقعیت انسان به عنوان جزئی از محیط کالبدی و زندگی روزمره؛ در این حالت محیط هدفی خارج از خود را تأمین می نماید و نقش واسطه ای دارد (همانند کاربری آموزشی) . در حالت دیگر، انسان فردی است شناسنده محیط پیرامونی خویش؛ این محیط نقش آموزشی و تربیتی مستقیم در رابطه با کودک به شکل خاص دارد . محیط کالبدی را می توان به مثابه دیگر کودک دانست . این ((دیگر)) در تشابه و در عین حال تمایز با ذهنیات کودک قرار دارد . به بیان دیگر محیط کالبدی حافظه مجسم کودک ، به خاطر آورنده رفتارهای اتفاقی و یا ابداعی و تثبیت کننده و تداوم بخش آن است. هر جزء از محیط به مثابه یک نشانه، رفتار کودک را کدگذاری می کند و همچون زبان عمل می کند (یعنی کارکرد خودآگاه کردن رفتار ناخودآگاه را دارد .) هر رفتار کودک وابسته به یک جزء از محیط این امکان را می یابد تا در تقابل و تمایز با رفتار دیگر کودک وابسته به جزء دیگر محیط معنا یابد و شناخته شود . یعنی اجزای متمایز محیط که هریک نشانه یک رفتار هستند (دال) باعث درک تمایز در رفتارها و تخصیص آن ها می گردد. این تمایز در شکل های مختلف می تواند ایجاد گردد (در تمایز مختصات مکانی و یا تمایز شکلی ، فرمی یا محتوایی و کارکردی) . در این حالت کارکرد محیط کالبدی ساخته شده ، تجسم بخشیدن به زمان

گذشته و قرار دادن آن در تقابل با زمان حال است و ایجاد کننده امکانی است برای گفتگو میان رفتارهای متقابل کودک و رشد این رفتارها در زمان ها و مکان های مختلف (زارع بیدکی ، عباسیان ، ۱۳۹۴) .

۱-۳ نظریه ی گیسون

مفهوم روانشناختی قابلیت محیط که توسط جیمز جی گیسون ابداع شده است به پیکره بندی کالبدی یک شی یا یک مکان رفتاری دلالت می کند که برای فعالیت های خاصی قابل استفاده می سازد. گیسون معتقد است برای افراد قابلیت فضا مهم است و انتخاب رفتاری و زیباشناختی فرد را محدود کرده یا گسترش می دهد . قابلیت محیط برای گروه و طبقه اجتماعی کودکان متفاوت است . قابلیت یک فرم از یک سو به نیازهای استفاده کنندگان و انگیزه های درونی آن ها و از سوی دیگر به توانایی های بالقوه شکل و فرم کالبدی محیط باز می گردد. لذا طیف وسیعی از نیازهای انسانی چون زیبایی شناسی و نمادگرایی یا معناشناسی بخشی از قابلیت بنا محسوب می شود (باقری ، عظمتی ، ۱۳۹۰ ، ص ۱۷۱) . طبق نظرات او و پیک، محیط اطراف اطلاعات را به عنوان آرایه های محیطی انرژی فراهم می کند که توسط سطح ها ، مرزها ، اتفاقات ، اشیاء و طرح از محیط اطراف شناخته می شود . این اطلاعات ، تغییرات درک می کند که به حرکات درک کننده (نشستن ، ایستادن ، راه رفتن و ...) و به حواس آن ها (بینایی ، شنوایی ، چشایی ، لامسه ، بویایی) وابسته است . بر طبق دیدگاه هری هفت که در ارتباط با قابلیت محیطی گیسون به بحث می پردازد ، مفهوم مرکزی در بررسی محیط های کودکان، مفهوم قابلیت محیط است. گیسون این مفهوم را آرایه داد تا این واقیت را نشان دهد که تجربه های ادراکی ما نه تنها شامل آگاهی از ساختار اشیاء و حوادث محیطی است ، بلکه اساساً آگاهی از اهمیت عملکردی آن هاست (طباطبائیان ، عباسعلی زاده ، کلائی ، فیاض ، ۱۳۹۵ ، ص ۲۲) . مفهوم قابلیت محیطی تصور عملکردی از یک شی، رویداد، یا محل فرد است. قابلیت محیط نسبت ادراک شخص به محیط را مشخص می سازد. به این معنی که یک محیط با قابلیت هایش ممکن است برای فرد با توجه به برخی از ویژگی های ساختاری و عملکردی او مناسب باشد اما برای دیگری نه. این کیفیت مختلف قابلیت های محیط است که آن را شگفت انگیز و بحث برانگیز می سازد (طباطبائیان ، عباسعلی زاده ، کلائی ، فیاض ، ۱۳۹۵ ، ص ۲۲) .

۴- رفتارهای محیطی موثر بر خلاقیت کودکان

محققان بسیاری اثر محیط را بر خلاقیت افراد مورد آزمایش و بررسی قرار داده اند. محیط در دانش روانشناسی محیط شامل کلیه عوامل مادی و معنوی است که اطراف فرد را در بر میگیرد، در نتیجه خانواده و اطرافیان ، اجتماع ، و نیز محیط کالبدی را می توان از جمله محیط به حساب آورد . آمایل از جمله کسانی است که ارتباط بین محیط ساخته شده و خلاقیت را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که محیط ساخته شده عامل مؤثری در رشد خلاقیت

فرد است. آمابیل و همکارش (۱۹۸۸) در مصاحبه هایی که با ۱۲۰ دانشمند در ۲۰ رشته مختلف داشته اند به این نتیجه رسیدند که عوامل محیطی در رشد خلاقیت برتری دارند. آمابیل می گوید: این یافته ها اهمیت اکولوژی را نشان می دهد و اینکه محیط عامل برجسته تری از مسایل فردی است. این بدین معنی نیست که نیروی بیرونی مهم تر از خود شماست. مطمئناً عوامل شخصی تأثیر زیادی در خلاقیت دارند، اما نکته ی مهم این است که سهم محیط بسیار متغیرتر است (طباطبائیان، عباسعلی زاده رضا کلانی، فیاض، ۱۳۹۵، ص ۱۹). روان شناسی محیط تأثیر محیط کالبدی بر ذهن، روان و رفتار انسان معتقد است. کودکانی که محیطشان یکنواخت است، نمی توانند توانایی های شناختی خود را به کار برند. محیط پیرامون باید قابلیت تبدیل به محرکی برای ایجاد انگیزش های خیال پردازانه را داشته باشد. واقعیت این است که به خلاقیت نمی توان با تمرکز به یک بعد نگریست. بعد فردی، محیطی، فرایندی و محصولی، هیچ کدام به تنهایی نمی توانند بیانگر ماهیت خلاقیت باشند. بنابراین خلاقیت مجموع عوامل شخصی، فرایندی و محصولی است که در محیط اجتماعی در تعامل با یکدیگرند (قره بیگلر، ۱۳۹۱، ص ۸۸).

۱-۴ بازی

تحقیقات نشان می دهد بازی نیز در ارتقاء خلاقیت کودکان مؤثر است. گفته می شود بازی برای آموزش محیط بیرونی کودکان یک امر اصلی است. این یک مکانیزم اصلی است که از طریق آن کودکان با محیط شان آشنا می شوند (عزیز، سعید، ۲۰۱۲، ص ۲۰۵). برای مثال ممکن است کودک در قالب بازی، با کمک مربی، چیدمان کلاس را جابه جا کند؛ در این حالت هم تغییر لازم در فضا ایجاد می شود و هم کودک آن تغییر را ایجاد کرده است. بنابراین منظور از بازی مشارکت، تنها سرگرمی نیست، بلکه مشارکت هدفمند کودک در قالب بازی کردن مورد توجه قرار می گیرد (نقره کار، مظفر، صالح، شفایی، ۱۳۸۸، ص ۴۷). بازی چندین عملکرد دارد و علاوه بر تقویت مهارت های کودک، به خیال پردازی او کمک می کند. علاوه بر آن، بازی امکان مشارکت در فعالیت های گروهی را نیز فراهم می آورد. محققان تأثیر کار گروهی را بر رشد فرایند خلاقیت بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که خلاقیت افراد در همکاری با یکدیگر به دلیل تأثیر متقابل ایده ها بر هم، شکوفا می شود (نقره کار، مظفر، صالح، شفایی، ۱۳۸۱، ص ۴۱). در حقیقت بای غالباً بخشی از فرایند خلاق است که شامل یک نگرش و یک فرایند، توانایی کنار آمدن با عدم اطمینان، توانایی کاوش در مفاهیم تازه، تفکر واگرا، یعنی توانایی نگاه کردن به یک مشکل از راههای مختلف، عدم اجبار، فرصت انتخاب داشتن، آفرینش و باز آفرینی می شود. کودکان خلاق می توانند با توجه به موقعیت و مکان خاص بازی، شکل بازی تغییر دهند، بازی های جدید ابداع کنند، مقررات خاص وضع نمایند، رهبری بازی را به دست گرفته و چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی بازی نمایند. در مقابل کودکانی که خلاقیت کمی دارند در بازی نقش پیرو به عهده میگیرند و خود را ملزم به رعایت مقررات بازی می کنند. از طریق بازی می توان نقایص

فردی، اخلاقی و شخصیتی او را اصلاح کرد و فکر و اندیشه‌ی او را رشد داد (جعفری، کشتکار، جعفری، ۱۳۹۳، ص ۵۹). اهمیت بازی در پیشرفت شناختی کودکان بارها تصدیق شده است، در واقع تمایل کودکان به بازی یا بازیگوشی با مهارت‌های تفکر خلاق مرتبط است. بازی، انعطاف‌پذیری و مهارت‌های حل مسئله لازم برای خلاق بودن را تقویت می‌کند. بازی کردن باعث آمادگی روانی و فیزیکی در کودکان می‌شود تا برای یادگیری و پذیرش آماده شوند (رادبخش، محمدی فر، کیان ارثی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱).

۲-۴-رنگ

رنگ‌ها در به وجود آوردن حالت‌های مختلف روانی مثل آرامش یا عدم آرامش در کودکان مؤثر بوده و در نتیجه در تکوین شکل وجودی و شخصیت آنان نقش مهمی را ایفا می‌کند. فضاهایی با رنگ‌های شاد و روشن و گاهی رنگ‌هایی با فرم‌های نامشخص (مثل حالتی که در نقاشی با آبرنگ پدید می‌آید) موضوعات رویایی و خیال‌انگیز را القا می‌کند و در کودک احساسی چون عاطفی، رفاقت، مهربانی، رویائی و پرواز دهنده بودن را به وجود می‌آورد. همچنان که فضاها برای کودکانی با سن بالاتر طراحی گردد از رنگ‌های ملایم با مرزهای مشخص، جزئیات بیشتر در بنا و انحنای نرم در طراحی فضا می‌توان استفاده کرد. مطالعات نشان می‌دهد که انتخاب رنگ در نقاشی کودکان نشان‌دهنده حالات روانی آنان است، پس توجه به رنگ به عنوان ابزاری در خدمت تعلیم و تربیت کودکان، امری ضروری و الزامی است. استفاده هدفمند از رنگ ترتیبی می‌آفریند که در نبودش آشفتگی در ذهن بیننده حاکم می‌شود. رنگ برای اتاق مثل نور است برای روز. رنگ هم چشمگیرترین و هم انعطاف‌پذیرترین عنصر دکوراتیو است (شهبازی، طبیبیان، ۱۳۹۷، ص ۵).

استفاده از رنگ قرمز در محیط آموزشی: رنگ قرمز در معماری کلاس‌های درس، کاربردی ندارد؛ زیرا دیوارهای قرمز کودکان را آشفته آشفته حال و بدخلق می‌کند و به علت روح هیجانی که در این رنگ نهفته است، کودک را از حالت آرام خارج کرده و به جنب و جوش و ناآرامی می‌کشاند و از تمرکز او جلوگیری می‌کند؛ لذا بهتر است از رنگ قرمز در فضای آموزشی استفاده نشود اما می‌توان از این رنگ در محیط‌های بازی، نمایش و ورزش استفاده کرد (دیواندی، بزرگ قمی، ۱۳۹۷، ص ۴).

استفاده از رنگ زرد در محیط آموزشی: زرد یکی از رنگ‌های اصلی است که با فعالیت‌های زنده تداعی دارد و هوش و کنجکاوی فرد را تقویت می‌کند. بنابراین با نماد سرعت، به ویژه سرعت تفکر و تصمیم‌گیری در ارتباط است و تمرکز حواس را بالا می‌برد (دیواندی، بزرگ قمی، ۱۳۹۷، ص ۴).

استفاده از رنگ نارنجی در محیط آموزشی: رنگ نارنجی نشانه طراوت، شادی، گرمی، اشتیاق و علاقه زیاد و جدیت در کار است. این رنگ دستگاه عصبی را تحریک می کند، جریان اکسیژن رسانی به مغز را افزایش می دهد و موجب شفافیت و روشنی ذهن و تحریک حافظه می شود (مبشری، بیواره، حق شناس، ۱۳۹۶).

استفاده از رنگ آبی در فضای آموزشی: از آنجا که رنگ آبی، کیفیتی سرد و رسمی دارد، فضا را به آرامش می کشاند و البته از حالت دوستانه و گرمی بخش دور می کند. لذا بهتر است در فضاهای آموزشی و کلاس این رنگ را با تلفیق رنگ های دیگر استفاده کرد (دیواندی، بزرگ قمی، ۱۳۹۷، ص ۴).

۳-۴-طبیعت

در مورد تأثیر متقابل فرد با محیط و نقش عوامل محیطی در تحولات جسمی و روانی کودکان قابل ذکر است که: هسته نظریه های رشد، تعامل یا تأثیر متقابل است. همه روانشناسان بر این عقیده صحنه می گذارند که پدیده های روانی و تغییرات آن ها نتیجه تعامل بین ارگانیسم انسان و محیط است. تحقیقات ارتباطات چشمگیری بین تماس مستقیم با طبیعت در طول دوران کودکی و کلیه جوانب توسعه: روحی، جسمی، و احساسی، نشان می دهند. لوئیس چالوا هماهنگ کننده بین المللی رشد در یونسکو، بیان میکند که سن ۶-۱۲ سال که عموماً از آن به عنوان میانه کودکی یاد می شود یک دوره طبیعی است که در طول آن کودکان به طور ژنتیکی برای پیوند با طبیعت برنامه ریزی می شوند. کودکان بازی در محیط های طبیعی را اینگونه درک می کنند که هیجانات گوناگون و عناصر بازی گوناگون را ارائه می دهد، برای آن ها فرصتی برای انتخاب، گرفتن تصمیم، آزمایش، تصور و خلق چیزهای جدید به وجود می آورد. همچنین تحقیقات نشان می دهد، که بازی در محیط های طبیعی روابط اجتماعی را در بین کودکان افزایش می دهد. به عنوان مثال زوریچ نشان داد که کودکانی که در محیط بیرونی طبیعی بازی میکنند نسبت به کودکانی که با بازی در محیط های داخلی محدود هستند، دوبرابر همبازی بیشتری دارند که این نیز خود در رشد خلاقیت کودک مؤثر است. امکان بازی با آب، کاشت گیاه توسط خود کودک، بازی با نور و سایه، بازی با شن و مانند آن که از آن با عنوان قابلیت ((بازی سازی عناصر طبیعی)) یاد می شود، علاوه بر آن که در ارتقاء انگیزش و آزادسازی هیجانات کودک مؤثر است، بستر مناسبی برای مشارکت کودک در فعالیت های گروهی محسوب می شود (طباطبائیان، عباسعلی زاده رضا کلانی، فیاض، ۱۳۹۵، ص ۹۶).

۴-۴-انعطاف پذیری

از آنجائی که فعالیت های متفاوت فرآیندهای متفاوتی را نیز طلب می کند و گروههای مختلف دانش آموزان برای کارکردن مشارکتی به فضاهای متنوعی نیازمندند ، یک مرکز یادگیری انعطاف پذیر باید دارای فضاهایی متنوع با ابعاد گوناگون باشد بدون اینکه ساختار کاملاً ثابتی برای آن ها در نظر گرفته شود و امکان تلنگر زدن به تمامی این محیط ها، در همه زمان و برای همه وجود داشته باشد. بخش ها و نقش ها در یک سازماندهی باید به طور انعطاف پذیر عمل نمایند. وجود مرزبندی در سازماندهی بخش ها ، یکی از موانع اصلی در توسعه و رشد نظام های یادگیری است. یکپارچه دیدن محیط یادگیری سبب می شود کتمایی افراد حاضر در آن، به عنوان یادگیرنده مورد توجه قرار گیرند . فقدان تبعیت سفت و سخت از نقش ها و وظایف مرسوم ، سبب سهیم شدن همه افراد در نقش یاددهنده و یادگیرنده می شود . انعطاف پذیری فضا می تواند در کنار تنوع فضایی مطرح شود ؛ چرا که هر دو صفات فضایی هستند که دامنه بهره گیری از فضای مصنوع را افزایش می دهند . تنوع فضایی امکان پاسخگویی به دامنه وسیع تری از افراد را در یک زمان فراهم می کند و انعطاف پذیری ، قابلیت تغییر در طول زمان را داراست. همجواری و رؤیت پذیری نیز صفات فضایی دیگری هستند که می توانند در کنار هم مطرح شوند ؛ چرا که هر دو صفت با افزایش امکان ملاقات و برخورد افراد ، تعاملات میان ایشان را افزایش می دهند که در خلاقیت و به ویژه نوآوری از اهمیت بالایی برخوردار است (بیسادی ، مظفر، حسینی ، ۱۳۹۲ ، ص ۲۴۱).

۵-روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش ، روش اسنادی و پیمایشی می باشد . جامعه آماری بر حسب فرمول کوکران حساب شده است. طبق سرشماری ۱۳۹۵ جمعیت منطقه ۱۱ برابر با ۳۱۰۱۹۶ است که طبق فرمول کوکران جامعه ی آماری ۳۸۳،۶۹ نفر است . این محاسبه با سطح خطای ۵ درصد صورت می گیرد . با تهیه پرسشنامه نسبت به برداشت نظرات مربیان و والدین ، عوامل موثر بر میزان خلاقیت کودکان بررسی شده است. در مرحله اول از پرسش شوندگان درخواست شده است تا به سوالات پاسخ دهند . در مرحله بعد تحلیلی بر مبنای پاسخ های پرسشنامه و مقایسه آن ها پرداخته شده است . ابزار اصلی آماری این مقاله استفاده از نرم افزار spss و آزمون رتبه ای فریدمن صورت گرفته است.

۶-یافته های تحقیق

ابتدا به بررسی پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ می پردازیم . نتایج نشان می دهد مقدار آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۷۳۳ است که حاکی از آن است که سوالات پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است. همچنین میزان آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق نیز در جدول زیر آورده شده است .

جدول ۱: میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه حس تعلق به مکان و شاخص های آن (نگارنده)

ردیف	عنوان متغیر	تعداد سوالات	میزان آلفای کرونباخ
۱	بازی	۴	۰/۷۵۲
۲	رنگ	۵	۰/۷۷۲
۳	طبیعت	۶	۰/۷۳۲
۴	انعطاف پذیری	۵	۰/۷۲۴

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق شامل میانگین و انحراف معیار ارایه شده است. همچنین در ردیف مربوط به میانگین مشخص است که بیشترین میانگین مختص به شاخص رنگ با میانگین ۲/۶۶۷۲ و کمترین میانگین مختص به شاخص طبیعت با میانگین ۱/۴۰۳۲ می باشد.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق (نگارنده)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد
بازی	۱/۶۰۰۹	۰/۳۳۶۶۳	۳۸۴
رنگ	۲/۶۶۷۲	۰/۵۱۹۰۵	۳۸۴
طبیعت	۱/۴۰۳۲	۰/۲۵۱۴۱	۳۸۴
انعطاف پذیری	۲/۴۰۰۰	۰/۲۹۱۵۷	۳۸۴

اکنون به منظور رتبه بندی شاخص های تحقیق از آزمون فریدمن استفاده می نمایم. فرضیات این آزمون به شکل زیر است:

فرض صفر: (H_0) اولویت شاخص های تحقیق یکسان است.

فرض یک: (H_1) اولویت شاخص های تحقیق یکسان نیست.

با توجه به جدول P-Value سطح معنی داری به دست آمده برای آزمون فریدمن برابر ۰/۰۰۰ می باشد که این مقدار کوچکتر از سطح خطای $\alpha=0/05$ می باشد. بنابراین، فرض H_0 رد شده و فرض H_1 پذیرفته می شود. به عبارت دیگر، ادعای یکسان بودن رتبه (اولویت) شاخص های تحقیق پذیرفته نمیشود در نتیجه شاخص های تحقیق دارای اهمیت یکسانی نیستند.

جدول ۳: نتایج آزمون فریدمن برای شاخص های تحقیق (نگارنده)

متغیر	تعداد	آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
بازی	۳۸۳	۸۷۷/۴۰۱	۳	۰/۰۰۰
رنگ				
طبیعت				
انعطاف پذیری				

در جدول ، رتبه بندی شاخص های تحقیق با استفاده از آزمون فریدمن را نشان می دهد . هر چقدر میانگین رتبه ها بیشتر باشد اهمیت آن متغیر بیشتر است . در جدول ، از میان شاخص های تحقیق ، شاخص رنگ دارای رتبه بهتری میباشد .

جدول ۴: رتبه بندی شاخص های تحقیق با استفاده از آزمون فریدمن (نگارنده)

متغیر	میانگین رتبه ای	اولویت
بازی	۱/۸۰	سوم
رنگ	۳/۶۲	اول
طبیعت	۱/۳۲	چهارم
انعطاف پذیری	۳/۲۶	دوم

بنابراین ، با توجه به نتایج آزمون فریدمن در جدول ۴، به ترتیب ۱-رنگ، ۲-انعطاف پذیری ۳-بازی ۴-طبیعت بیشترین تأثیر را در خلاقیت دارند .

۷-نتیجه گیری:

توجه به عواملی چون خوانایی و جهت یابی از طریق رنگهای مهیج ، ارتباط برقرار کردن با محیط ، انعطاف پذیری محیط ، شفافیت ، خاطره انگیزی از طریق رنگهای به کار برده شده را باید در طراحی فضاهای آموزشی کودکان به کار برد. استفاده بهینه از رنگ در فضاهای کودک، زمینه را برای تبدیل یک محیط کسل آزا به یک محیط محرک تبدیل سازد و از آن جایی که دیگر عاملی که در خلاقیت کودکان تأثیر دارد بازی است سعی شود در طراحی محیط کودکان به گونه ای باشد که از طریق بازی با رنگها ارتباط بیشتری برقرار کنند و خود خالق فضایی باشند که دوست دارند در آن قرار بگیرند . محیط هایی که برای کودکان طراحی می شوند باید جذاب ، شاد و لذت بخش باشند ، به همین دلیل با توجه به نتایج تحقیق در طراحی برای کودکان باید به شاخصه ی رنگ بسیار توجه کرد. نتایج تحقیق نشان می دهد که رنگ بیشترین تأثیر را بر خلاقیت کودکان می گذارد. محیط های آموزشی اصلی ترین فضایی است که کودکان برای پرورش خلاقیت خود در آنجا هستند . با توجه به تحقیقات انجام گرفته کودکان در سن پایین هم رنگ را درک می کنند. در واقع رنگ های اصلی برای کودکان از جذابیت بیشتری برخوردار هستند ، به خصوص رنگ هایی مثل نارنجی ، قرمز و زرد در ایجاد محیطی شاد و پویا برای کودکان مؤثرند و می توان از ترکیب رنگ های ملایم و گرم در کنار رنگ های سرد و ملایم به محیطی جذاب و متنوع برای کودکان دست یافت. همچنین مطالعات نشان می دهد که محیط هایی با رنگ یکنواخت القا کننده اضطراب و نگرانی هستند و در نهایت موجب کاهش تمرکز فرد می شود .

منابع:

- ۱- اولنج، فاطمه، دژدار، امید، یعقوبی، ابولقاسم، ۱۳۹۴، تبیین نقش عوامل محیطی و غیر محیطی فضاهای آموزشی در بروز خلاقیت کودک، مطالعات محیطی هفت حصار، شماره دوازدهم، سال سوم، ۱۴-۵
- ۲- باقری، محمد، عظمتی، حمیدرضا، ۱۳۹۰، فضای کالبدی به مثابه برنامه درسی (پرورش خلاقیت کودکان در محیط مدرسه)، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۸۴-۱۶۳
- ۳- بیسادی، مونا، مظفر، فرهنگ، حسینی، سید باقر، ۱۳۹۲، صفات فضایی موثر بر افزایش خلاقیت محققین در مراکز تحقیقات معماری و شهرسازی، نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، سال هفتم، جلد ۷، شماره ۳، ۲۳۹-۲۴۹

- ۴- ترکمان، مژگان، جلالیان، سارا، دژدار، امید، ۱۳۹۵، نقش معماری و عوامل کالبدی محیط آموزشی بر تسهیل یادگیری کودکان، ماهنامه شباک، سال دوم، شماره ۱۱، ۱۴-۱
- ۵- جعفری، اصغر، کشتکار، الهه، جعفری، علیرضا، ۱۳۹۳، تأثیر آموزش بازی در افزایش خلاقیت کودکان پیش دبستانی در مهدکودک، نشریه علوم رفتاری، دوره ۶، شماره ۱۹، ۵۵-۶۸
- ۶- حسین پوریان، سمانه، ۱۳۹۰، نقش کودک در شکل گیری فضاهاى محیطی، نشریه معماری و فرهنگ، شماره ۴۶، ۴۰-۴۶
- ۷- دیواندی، جواد، بزرگ قمی، لیلا، ۱۳۹۷، معماری شناسی، دوره ۱، شماره ۶، ۱-۷
- ۸- رادبخش، ناهید، محمدی، فریاد، محمدعلی، کیان ارثی، فرحناز، ۱۳۹۲، اثربخشی بازی و قصه گویی بر افزایش خلاقیت کودکان، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۴، ۱۷۷-۱۹۵
- ۹- زارع بیدکی، فریدون، عباسیان، مریم، ۱۳۹۴، ویژگی های ساختاری الگوهای محیطی خلاق معطوف به کودک، کنفرانس بین المللی عمران، معماری و زیرساخت های شهری، تبریز
- ۱۰- شریعتمداری، علی، ۱۳۴۴، روانشناسی تربیتی، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات کتاب فروشی مشتمل
- ۱۱- شهبازی، آرزو، طبایان، سیده مرضیه، ۱۳۹۷، بررسی کاربرد رنگ بر افزایش خلاقیت کودکان کم توان ذهنی، معماری شناسی، شماره ۴، ۱۱-۱
- ۱۲- طباطبائیان، مریم، ۱۳۸۳، ساخت آزمونی برای سنجش مدرسین نسبت به خلاقیت، مجله علمی-پژوهشی اندیشه و رفتار، ۱۰(۲۱): ۱۰۹-۱۰۰
- ۱۳- طباطبائیان، مریم، عباسعلی زاده رضا کلائی، ساناز، فیاض، ریما، ۱۳۹۵، تحلیلی بر تأثیر محیط های ساخته شده بر خلاقیت کودک (بررسی ویژگی های محیطی مؤثر بر خلاقیت کودک در مراکز کودک تهران)، باغ نظر، سال سیزدهم، شماره ۴۳، ۳۶-۱۷
- ۱۴- طباطبائیان، مریم، عباسعلی زاده رضا کلائی، ساناز، فیاض، ریما، ۱۳۹۵، بررسی تأثیر طبیعت بر خلاقیت کودک، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۷، ۹۱-۱۰۲
- ۱۵- قره بیگلر، مینو، ۱۳۹۱، نقش عوامل محیطی در پرورش خلاقیت کودکان، منظر، شماره ۱۹، ۸۶-۹۱
- ۱۶- مبشری، ابراهیم، بیواره، عبدالله، حق شناس، محیا، ۱۳۹۶، تأثیر رنگ بر خلاقیت کودکان از نظر علم روانشناسی، کنفرانس بین المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر، تهران

- ۱۷- مهدوی نژاد، غلامحسین، مهدوی نژاد، محمدجواد، سیلوایه، سونیا، ۱۳۹۲، تأثیر محیط هنری بر خلاقیت دانش آموزان، شماره ۴۸، سال دوازدهم، ۱۴۰-۱۲۷
- ۱۸- نقره کار، عبدالحمید، مظفر، فرهنگ، صالح، بهرام، شفایی، مینو، ۱۳۸۸، طراحی فضای مهدکودک براساس رابطه بین صفات خلاقیت و ایده های معمارانه، فصلنامه ی نوآوری های آموزشی، شماره ی ۳۲، ۵۹-۳۹
- ۱۹- الاهی، وحید و برهمن، پویان، ۱۴۰۱، بررسی تاثیرات عوامل محیطی بر افزایش خلاقیت کودکان در طراحی مهدکودک، دومین کنفرانس بین المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط زیست و افق های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، تبریز
- ۱۹- Aziz, N. F. & Said, I. (۲۰۱۲). The Trends and influential Factors of Children,s Use of Outdoor Environments, A Review. *Journal of Social and Behavioral Science*, (۳۸): ۲۰۴-۲۱۲
- ۲۰- Aziz, N. F. & Said, I. (۲۰۱۲). The Trends and Influential Factors of Children's Use of Outdoor Environments, A Review. *Journal of Social and Behavioral Sciences*, (۳۸): ۲۰۴ - ۲۱۲.
- ۲۱- Hussein, H. (۲۰۱۲). The Influence of Sensory Gardens on the Behaviour of Children with Special Educational Needs. *Journal of Social and Behavioral Sciences*, (۳۸): ۳۵۴ - ۳۴۳.